

معماری فرم‌ها، حجم‌ها، رنگ‌ها، آکوستیک و موسیقی است. نور و سایه، بلندگوهای معماری‌اند

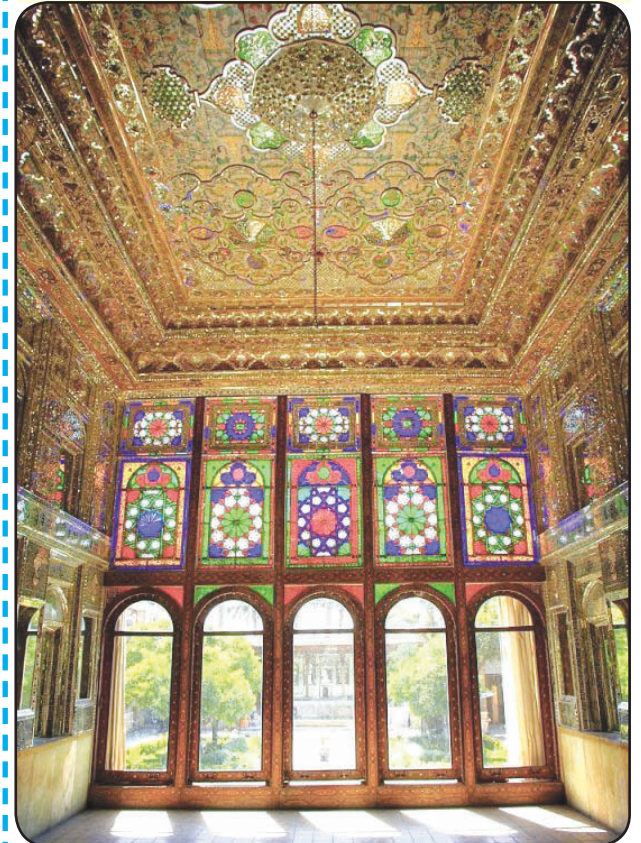
لوکوربوزیه

هنر و معماری



قاب زندگی در فضای خلوت و تعامل خانه زینت‌الملوک شیراز

مریم عمادی/کارشناس ارشد معماری



یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان تأمین فضایی جهت خلوت و تعامل وی می‌باشد. خانه از نخستین فضاهایی است که آدمی این مهم را از آغاز تولد در آن تجربه می‌کند و با جای جای آن خاطره می‌سازد، به‌علاوه تمام اطلاعاتی که انسان از جهان پیرامون خود دارد از طریق حواس پنجگانه بدست می‌آید که در فرآیند تفکر و ادراک حسی، بینایی بر دیگر حواس سلطه داشته است. در خانه‌های سنتی شیراز نیز شاهد آن هستیم که حس بینایی بیشترین ارتباط ما با محیط را برعهده داشته که در اشکال مختلف نظاره گر آن هستیم، از اهمیت به دیده شدن خانه در قاب خاطرهای ساکنین گرفته تا دیده شدن آسمان نامتناهی از پنجره اتاق و دید به یک درخت بهار نارنج که در میان حیاط خانه خودنمایی می‌کند که هر یک به نحوی آرامش را برای ساکنین خود به ارمغان می‌آورد. حواس ما به عنوان اولین عامل ارتباط ما با محیط نقش مهمی را بازی می‌کند و برای ادراک، ارزیابی و رفتار در فضا نقش اساسی دارد. ما جهان را به گونه‌ای که احساس و ادراک می‌کنیم مورد قضاوت قرار داده و رفتار خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنیم. بنابراین با توجه به اهمیت هر یک از حواس پنجگانه و با در نظر داشتن اینکه معماران سنتی ساختن خانه را همچون بافتن یک قالی در نظر داشتند و هر یک از این حواس و نیاز ساکنین خود را به مثابه تار و پود قالی کنار یکدیگر قرار می‌دادند و هر خانه را متناسب با نیاز و روحیات و فرهنگ آن خانه بنا می‌کردند و سعی بر آن داشته که فضا را برای ساکنین به شکلی خاطره انگیز و سرشار از آرامش مبدل کند تا به دنبال آن هر یک از ساکنین هر گوشه خانه را به مثابه قالی از بهشت برین تجربه کنند.

مفهوم خلوت در خانه‌های سنتی شیراز با لایه بندی مشابه و برخورداری از سلسله مراتبی تعریف شده شکل می‌گیرد. الگوی خلوت در این خانه‌ها دارای نظم خاصی است. این نظم می‌تواند موقعیت فرد در فضا را برای او مشخص کند، یعنی فردی که وارد خانه می‌شود می‌داند که پس از گذشتن از ورودی و هشتی انتظار، مطمئناً وارد دالان‌های پر پیچ و خم خواهد شد، بنابراین به یکباره حیاط و خانه در برابر چشمان ساکنین قرار نخواهد گرفت و پس از طی مسیری از تاریکی به روشنایی چشمان فرد به آرامی آماده می‌شود تا قالی از آسمان و حیاط خانه و عمارت در برابر چشمانش قرار بگیرد.

فضاهای باز و نیمه باز در خانه‌های سنتی از جمله فضاهایی است که این امکان را به فرد می‌دهد تا در حین ارتباط با طبیعت به خلوت فردی و ارتباط جمعی با اعضای خانواده نیز بپردازد. فضاهای باز در خانه‌های سنتی از اهمیت بالایی برخوردار بوده‌اند چنان‌که ساکنین خانه بیشتر وقت خود را در حیاط خانه سپری می‌کردند و حیاط و حیاط‌ها دانسته و قلب و مرکز خانه به حساب می‌آوردند. در حیاط و ایوان خانه‌های سنتی این امکان وجود داشت که در هر لحظه ساکنین خانه با آسمان نامتناهی ارتباط برقرار کنند و احساس کنند جایی که در آن زندگی می‌کنند جزئی از آن فضای نامتناهی است. ایوان از جمله فضاهای نیمه بازی است که از اهمیت بالایی در خانه‌های سنتی برخوردار بوده. ایوان به دلیل ایجاد قالی متفاوت به فضای بیرون و همچنین تناسب ارتفاعی آن اشکال متفاوتی از منظر را به ساکنین ارائه می‌دهد و در نهایت این فضا این امکان را به ساکنین خود می‌دهد که خلوت و تعامل را در فضایی متفاوت و متناسب با نیاز خود تجربه کنند.

رنگ نیز از دیگر عواملی است که به سبب بازی نور در فضای خانه سبب می‌شود فرد خانه را در قاب متفاوتی از رنگ و نور تجربه کند. در خانه‌های سنتی ایران در تابستان همراه با گرم شدن هوا، پنجره‌های گشوده می‌شد و نور همچون آشنایی به داخل خانه سرازیر می‌گشت. منظره دلپذیری از داخل پنجره حیاط خانه، قاب می‌شد که رنگ را به همراه نور به داخل خانه دعوت می‌کرد. این امر در فصول سرد سال به شکلی دیگر خود را نمایش می‌داد، در فصل زمستان یا سرد شدن هوا پنجره‌ها بسته و چون حیاط خانه سرسبزی و طراوت فصل گرم را نداشت نور با عبور از شیشه‌های رنگی ارسی‌ها، سرزندگی را به خانه راه می‌داد.

بنابراین حواس پنجگانه نقش مؤثری را در درک انسان از فضا و خاطره‌سازی از محیط برعهده دارد که معمار خانه‌های سنتی شیراز به خوبی به اهمیت این حس و تأثیر آن بر خاطره سازی در ذهن ساکنین آن آگاه بوده و همواره با در نظر گرفتن این حس سبب گشته تا هر یک از افراد از بدو ورود به خانه احساس تعلق خاصی به محیط داشته باشند. فضای خلوت و تعامل ساکنین در خانه‌های سنتی شیراز با توجه به نیاز، فرهنگ و شرایط زندگی آنان در نظر گرفته شده بود و همواره سعی بر آن شده تا گوشه گوشه‌های فضاهای مختلف خانه با دخیل کردن عناصری همچون نور، رنگ، طبیعت در خاطر ساکنین ماندگار شود. در نهایت اهمیت به نوع دیده شدن فضاهای مختلف خانه در مراتب فضایی باز تا بسته به قدری بوده که معمار تلاش داشته تا هر قسمت از فضای خانه را همچون آلبومی از خاطرات ساکنین به قاب بکشد و در خاطر فرد به یادگار بگذارد.



حمیدرضا شبیبانی دانشجوی معماری دانشکده فنی و مهندسی شیراز است. این نخبه دانشگاهی و پژوهشگر ملی شهرسازی طی مراسمی که در تالار اجتماعات حوزه هنری انقلاب اسلامی استان فارس برگزار شد، از اولین کتاب خود با عنوان "پالت رنگی شهر" با حضور آقایان فرهاد عوض نژاد و مهدی پارسایی (معاون فرهنگی حوزه هنری فارس) رونمایی کرد. قبل از آنکه گفتگو آغاز شود خالی از لطف نیست تا نوشتاری درباره مؤلف داشته باشیم: پژوهشگر حمیدرضا شبیبانی متولد سال هزاروسیصد و هفتاد و چهار است، وی رتبه برتر کنکور و همچنین رتبه اول المپیاد دانش آموزی رشته معماری استان فارس در سال ۱۳۹۲ است. پژوهش را از سازمان زیباسازی شهرداری شیراز آغاز کرده و موضوع رنگ در شهر را از ترم یک دانشگاه در همان روزهای نخست

شروع نموده است و تا سال ۱۳۹۵ این میث ادامه داشت که منتج به انتشار کتاب پالت رنگی شهر شد. در حاشیه مراسم رونمایی از کتاب پالت رنگی شهر مصاحبه‌ی صمیمانه و دوستانه با حمیدرضا شبیبانی برقرار شد. بی‌شک خواندن آن برای دانشجویان و پژوهشگران هنر و معماری جذاب خواهد بود:

"پالت رنگی شهر" عنوان کتابی است که به همت حوزه هنری انقلاب اسلامی فارس و با همکاری کانون مطالعات معماری و شهرسازی صورت رونمایی شد، ماهیت نوشتاری آن چیست؟
در ابتدا باید تشکر کنم از معاونت فرهنگی حوزه هنری فارس مهدی پارسایی برای فراهم آوردن این مراسم و همچنین از روزنامه وزین طلوع، کتاب پالت رنگی شهر تألیف فرهاد عوض نژاد است که بنده این افتخار را داشتم در کنار ایشان این موضوع را دنبال کنم اگر چه مشغله فکری و دانشگاهی استاد بیش از حد بود، اما در تمامی مراحل و پژوهش‌ها حضور مستمر داشته‌اند که شاکله و بنیان‌گذاری پژوهش و پژوهشگری را از فرهاد عوض نژاد آموختم. در خصوص جواب سوالی که مطرح کردید باید عنوان کرد که میث اصلی این کتاب، مطالعه‌ی رنگ در شهر است که به طور معمول در چهار مقیاس مطرح می‌شود: مقیاس شهر یا بخشی از شهر، مقیاس فضای شهری، مقیاس ابنیه و مقیاس عناصر مستقر در فضا که این تقسیم‌بندی محیط شهر برای رسیدن به یک طرح جامع رنگی شهر است.

این گونه به نظر می‌رسد که تلاش و کوشش جنابالی و عوض نژاد در جهت تبیین مبانی و مفاهیم پایه و کاربردی رنگ در شهر و منظر رنگی شهر است این مقوله را چگونه توصیف می‌کنید؟

همان گونه که شرط ارتقای منظر رنگی شهر مطلوب و شایسته جایگاه شهرسازی ایران، در گرو

توجه به زیر بناهای فکری در شهرسازی و معماری امروز خود و منابع الهام آن هم هست و ضمن توجه به این نکته که در بناها و فضاهای قدیم، رنگ‌های طبیعی مصالح محلی که بناها به وسیله‌ی آنها ساخته می‌شد. به شهر چهره‌ای هماهنگ و همگون می‌داد و با روحیه، اقلیم و فرهنگ مردم نیز بیشتر مطابقت می‌کرد به این ترتیب رنگ هر شهر تثبیت شده بود و جنبه‌ای از هویت آن محسوب می‌شد. با وجود تفاوت در مقیاس و عملکردها، نوعی وحدت کلی بر سراسر شهر حاکم بود. هر شهر هویت رنگی خاص داشت. شهرهای کویری کشورمان مانند ایبانه همگی از مصالح بومی و محلی ساخته شده‌اند که شامل رنگ مایه‌های رنگ‌های متجانس هستند. در این شهرها، بناهای شاخص شهری به ویژه بناهای مذهبی با تزئینات کاشی فیروزه‌ای رنگ در زمینه‌ی خاکی خود می‌درخشیدند و خود را متمایز می‌کردند.

با توجه به این که تخصص و پروپوزال ارشد شما برای آنلیه معماری و شهرسازی یکی از دانشگاه‌های معتبر در دنیا است، موضوع رنگ در سیمای شهرهای معاصر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
جواب شما را با آموخته‌ای از صحبت‌های از استاد عزیزم وحید قبادیان شروع می‌کنم، این هست که شهرهای امروزی ما در معماری تک بناها معماری نسبتاً خوبی دارد اما صحبت از جایی شروع می‌شود که این تک بناها هر کدام خواسته‌اند خودنمایی کنند آن هم به صورت تکی و نه در نگاه کلان که از کنار هم قرار گرفتن این بناها اغتشاش بصری را شاهد هستیم. باید کمی جدیدتر با مسئله‌ی سیمای شهری و حالا به تفصیل بر روی مقوله رنگ کار کرد.

در آئین رونمایی میان سخنرانی شما صحبت از جلد دوم کتاب پالت رنگی شهر شد، جلد دوم آن

که قطعاً ادامه دهنده محتوای جلد اول خواهد بود چه سرفصل‌هایی به آن اضافه خواهد شد؟ و زمان انتشار و ناشر آن را توضیح دهید؟

بله در جلد دوم آن به تفصیل شهرها و روستاهای تاریخی ایران را بررسی کرده‌ایم که سرفصل‌های آن هم بگذارید تا آئین رونمایی از جلد دوم کتاب...! تاریخ انتشار آن هنوز قطعی نشده است اما ناشر آن این بار از گیشه انتشارات دانشگاه فنی و حرفه‌ای خواهد بود.

مراسم به همت حوزه هنری و با همکاری کانون مطالعات معماری و شهرسازی صورت انجام شده است که گویا همزمان با این مراسم افتتاح و آغاز کار این کانون مطالعاتی هم بوده است. اینطور که بنظر می‌رسد شما دبیر این کانون هستید؟

بله، کانون مطالعات معماری و شهرسازی صورت می‌خواهد یک مدرسه معماری و شهرسازی در حوزه مطالعاتی باشد و به دنبال یک رویداد هنری مؤثر در معماری و شهرسازی شهر شیراز است. مراسم رونمایی از کتاب هم اولین فعالیت این کانون بود. اگر بخواهم به جزئیات آن بپردازم در حال حاضر بر روی مجموعه شهری زندگی متمرکز شده‌ایم که با همکاری رامین رحمانی نژاد، مریم ستوده نیا، محمدرضا هژیر، مهدی مردی دنبال شده است.

در خصوص کتاب پالت رنگی شهر صحبت پایانی را بفرمایید:

امید است این کتاب در جهت تبیین مبانی فکری کاربردی رنگ در شهر و تغییر جهت منظر رنگی شهرهای ما از یک منظره که با نوعی اغتشاش رنگی مواجه است به سمت یک منظر پویا و شاداب‌تر راه گشا باشد. نقد و نظر اساتید، پژوهشگران و هنرمندان مورد امتنان بنده خواهد بود. و در پایان از ایرج اعتصام، وحید قبادیان، مهدی پارسایی و سمیرا ناموراصل تشکر می‌کنم.



برشی از "کتاب پالت رنگی شهر" به قلم وحید قبادیان

یکی از مضامین اغلب شهرهای جدید و مدرن، عدم هماهنگی بدنه‌ها و فضاهای شهری از منظر مقیاس، مصالح، بافت و رنگ است. این عدم هماهنگی باعث تشویش بصری و ایجاد مکان‌ها و فضاهایی ناهنجار و یا کسالت‌آور است که می‌تواند تأثیر مستقیم بر شهروندان داشته باشد و باعث رفتارهای اجتماعی و فردی با تبعات منفی شود.

طراحی رنگ‌های متناسب برای فضاها با عملکردهای مختلف و در موقعیت‌های مکانی و فرهنگی متفاوت، باعث شادابی فردی و هنجارهای مناسب اجتماعی می‌شود. طراحی رنگ در عین ایجاد تنوع و گوناگونی، باعث یکپارچگی، همگونی و زیباسازی محیط شهری می‌گردد. در این رابطه در عین مطرح نمودن مبانی نظری طراحی رنگ در شهر، بهتر است هنرمندان گرافیک، مهندسان معمار و طراحان شهری همکاری و همفکری نزدیک‌تری با یکدیگر داشته باشند.

بکارگیری کاشی‌های الوان و استفاده از رنگ‌های متنوع و جذاب در جای جای شهرهای تاریخی، بخشی مهم از سنت معماری و شهرسازی کشور ما و بسیاری از کشورهای دیگر بوده است. امروزه نیز شایسته است که این سنت دیرینه و چشم نواز در محیط‌های جدید شهرها جلوه پیدا کند و سرزندگی و هنجارهای بهتری را برای شهروندان در رده‌های سنتی مختلف به ارمغان آورد.

تألیف کتاب پالت رنگی شهر، تلاشی قابل تقدیر از طرف آقای حمیدرضا شبیبانی است که می‌تواند نویددهنده شهرهایی شاداب‌تر و زیباتر در ایران ما باشد. برای ایشان آرزوی موفقیت روزافزون را دارم و امیدوارم بتوانیم شاهد دیگر آثار این مؤلف جوان و پر تلاش در آینده نزدیک باشیم.

